



اسرار شهادت امام حسین علیه السلام از قرآن کریم - قسمت آخر

در قسمت اول اشاره کردم که اصل و کمال بندگی و خضوع و خشوع را سید الشهداء علیه السلام بجا آورده و بدین سبب نسبت به جمیع بندگان خداوند ابوت و پدری داشته و مکنی به ابوعبدالله شد.

حال در این قسمت به مناسبت فقره بعدی آیه که امام حسین علیه السلام خطاب به خداوند میفرماید و **ان اعمل صالحا ترضاه**. (یعنی مرا توفیق بده عمل صالحی انجام دهم که مورد رضای تو باشد) به شرح بیشتر این ادعا میپردازیم که شهادت سید الشهداء علیه السلام تنها عمل صالحی بود که مورد رضای پروردگار قرار گرفت و نجات تمامی عباد و تمامی اعمال صالح ایشان شعاع عمل اباعبدالله علیه السلام است.

اما عبودیت یعنی بندگی و بنده کسی است که مولا داشته و آنچه به عمل می آورد به امر مولا و برای اوست، و مخالف آن آزاد است که اعمال او به رأی و هوای خود می باشد.

حال مراتب بندگی خداوند به همین معنی وابسته است که تا چه حد اعمال مان به رأی و هوای خودمان بوده و چه مقدار بخاطر خداوند است. و هر چه این بندگی بیشتر باشد خدا نما تر خواهیم شد و جهت من ربمان بر جهت من نفس غلبه پیدا میکند، مانند آجری که هر چه حکایت میکند خودیت اوست که

میگوید زرد هستم، مستطیلم و از خاکم اما آینه هیچ از خود نمیگوید و سرتاپا حکایتگر شاخص است، به عکس آجر که با اینکه پست تر از آینه بوده و نهایت غلظت و کثافت را دارد، ادعای آزادی کرده و ذکر فضایل خود را میکند.

عبودیت هم اینچنین مقامی است که شخص باید مانند آینه خود را گم کند و خدای خود را بنمایاند و این آینه اگر یک لکه داشته باشد به همان مقدار سخن از خود گفته و منیت پیدا کرده است.

حال ببینیم کدامیک از عباد خداوند چنین بندگی نموده که تمامی اعمال او به امر و بخاطر خداوند بوده و به تمام وجودش خدا نما شده است.

ابتدا خودمان را میسنجیم و میبینیم که 90 درصد عمر اکثر ما ها به خواب و خوراک و کسب و کار و رفت و آمد و امثال آن گذشته و شاید در روز، یک ساعتی را یاد خدا بوده ایم و عبادتی کرده ایم که افضل آن هم نماز است. همان نماز هم اکثرا احکام و قرائت آن را صحیح به عمل نمی آوریم، و بر فرض صحیح هم باشد دو رکعت از آن را سراغ نداریم که متوجه به خداوند باشد چراکه در تمام طول آن با خیال خود سیر در زمین و زمان کرده ایم و بر فرض خیالی هم نکرده باشیم، با لحظه ای عجب یا ریا همه اش را فاسد میکنیم، و اگر هیچ ریایی هم نباشد نمازمان را به جهت ترس از جهنم و به قصد بهشت خوانده ایم و خلوص برای خداوند نخواهد بود.

این حال نماز است که ستون دین و افضل اعمال ماست، بماند که نافرمانی ها و گناهان ما چه مقدار است، چنانکه در دعای عرفه میخوانیم **اَللّٰهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيَه مَسَاوِي، وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ دَعَاوِيَه دَعَاوِي** یعنی خدایا کسی که خوبیهایش زشتی و بدی است، چگونه بدیهایش، بدی محسوب نشود؟ و کسی که حقیقتگویی اش ادعاهایی بیش نیست پس چگونه ادعاهایش ادعا نباشد؟ با این اوصاف چگونه ادعای عبودیت داشته باشیم و اعمال مثلا صالح خود را مورد رضای پروردگار بدانیم.

پس میمانند کاملین و انبیاء علیهم السلام که عباد خداوند نامیده شوند که ایشان نیز هر کدام رتبه ای داشته و تا حدی توانسته اند خدا نما باشند. اما کمال عبودیت از آن ائمه علیهم السلام است که آینه سرتاپانمای خدا و مظاهر صفات خداوند شده اند، که در بین ایشان نیز تنها سید الشهداء است که اصل عبودیت را به جا آورده و عبادت باقی ائمه علیهم السلام هم به از دست دادن حسینشان بود.

چرا که تنها آن حضرت بود که جمیع آنچه داشت را در راه خداوند داد، مال را داد، فرزند را داد، اهل و عیال را داد، سر و جانش را هم داد و چه جان دانی که نذیری در عالم نداشت و اینگونه خود را نزد خداوند فانی ساخت تا ابو عبد الله نامیده شد و عبادت و بندگی هر کسی فرع او و شعاع او شد.

از این جهت بود که بلندی مقام بندگان رابطه مستقیمی با بلا و مصیبت های وارده پیدا کرد و به مصیبت ها علو درجه پیدا کردند، چرا که موجب شبیه تر شدن ایشان به سید الشهداء بود. و از این جهت است که به مصیبتات و بلاها گناهان میریزد، چرا که شعاع مصیبت سید الشهداء علیه السلام بر شخص عاصی میتابد تا بدان واسطه مورد شفاعت قرار بگیرد، و اگر کسی متذکر امر اباعبدالله علیه السلام باشد، به همان سوختن در آتش مصیبت او گناهان گذشته و آینده اش می ریزد. و این امر نیز از فضایل

و نعمت های آن حضرت است که نجات و شفاعت جمیع خلائق بخاطر ایشان بوده و تنها لازم است اندک تعلقی به امام حسین علیه السلام داشته باشیم، حتی به مقدار قطره اشکی که به تولا در مصیبت ایشان ریخته ایم. از این است که فرمودند والله یک نفر از شما داخل جهنم نخواهد شد.

غرض اینکه، کمال بندگی و تنها عمل صالحی که مورد رضای خداوند بوده را سید الشهداء علیه السلام به عمل آورد و جمیع عبودیت ها و اعمال صالح، شعاع عمل ایشان شد و رضای خداوند نیز برای سایر بندگان تنها در ماتم داری و اشک ریختن بر آن حضرت قرار گرفت چرا که تنها عملی است که با توجه و خلوص نیت انجام میشود و کسی نیست که همراه با سوختن بر مصیبات آن حضرت، در فکر کسب بهشت باشد یا عجبی و خود پسندی پیدا کند.

و در ادامه آیه امام حسین علیه السلام فضیلت دیگری از فضایل خاص خود را از خداوند طلب نموده و فرمود **وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي** یعنی و اصلاح کن در ذریه ام. و به این دعا بود که خداوند ائمه علیهم السلام را از ذریه امام حسین علیه السلام قرار داد.

در شرح این فقره حدیثی از امام صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند زمانی که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه سلام الله علیها بشارت ولادت امام حسین علیه السلام را داد و خبر شهادت ایشان را نیز گفت ، حضرت فاطمه (س) و پیامبر (ص) فرمودند به چنین کودکی احتیاج نداریم، جبرئیل از طرف خداوند فرمود که **أَنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَالْوَلَايَةَ وَالْوَصِيَّةَ** یعنی خدا در ذریه و نسل او امامت و ولایت و وصیت را قرار داده، پس حضرت راضی شدند ، سپس امام صادق (ع) آیه مورد بحث را خوانده تا آنجا که فرمودند **وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي فَلَوْ لَا أَنَّهُ قَالَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي لَكَانَتْ ذُرِّيَّتُهُ كُلُّهُمْ أَيْمَةً** یعنی اگر فی را بکار نبرده بودند هر آینه تمام ذریه امام حسین علیه السلام ائمه میشدند.

و در آخر آیه، امام حسین علیه السلام میفرماید **إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ** یعنی من به سوی تو بازمیگردم و من از مسلمانانم.

در این فقره نیز اشاره به تسلیم سید الشهداء علیه السلام در مقابل امر خداوند و بازگشت ایشان به مقام قرب پروردگار دارد.